

تحول در نظام فعالیت و دگر دیسی سازمان فضایی نواحی روستایی حاشیه زاینده‌رود (مطالعه موردی: ناحیه بن‌رود و جلگه (شهرستان اصفهان))

محمد قاسمی* - استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
فرهاد عزیزپور - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی - گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

چکیده

سازمان فضایی سکونتگاه‌ها پیوسته از درون و از بیرون تحت تأثیر نیروهای متعدد (محیطی، اقتصادی - اجتماعی، تاریخی، و سیاسی) در حال دگرگونی و تغییر است. حاصل این تغییرات تحول در ساختارها و کارکردهای ناحیه و به تبع آن سازمان و ساختار نظام سکونتگاهی شهری و روستایی است. یکی از عناصر اصلی سازمان فضایی مناطق، شهرها و روستاها و جریان‌های فضایی مابین آنهاست؛ چنانچه یکی از عناصر این سیستم دچار تحول شود، سایر عناصر نیز متأثر می‌شود. در این مقاله دگر دیسی سازمان فضایی روستاهای بخش بن‌رود و جلگه در شهرستان اصفهان در اثر تحولات نظام فعالیت بررسی شده است. پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای است و با روش کیفی و مصاحبه عمیق تحولات شناسایی شده‌اند. به منظور دستیابی به هدف تحقیق و در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش، با رویکرد فضایی و نگرش سیستمی به تبیین تحولات ساختاری - کارکردی و تغییرات سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی واقع در ناحیه مورد مطالعه (بخش بن‌رود و جلگه شهرستان اصفهان) در اثر تحول نظام فعالیت پرداخته شده است. نتایج بیانگر آن است که در اثر عواملی مانند محدودیت منابع آب و خاک، تضعیف نقش تولید کشاورزی، تضعیف نظام اقتصاد روستایی، کاهش نقش نیروی انسانی فعال در تولید، تضعیف ساختارهای بومی نظام بهره‌برداری از منابع آب در ساختار اشتغال به نفع بخش خدمات تغییری به وجود آمده که این امر به رشد مهاجر فرستی انجامیده است. در نتیجه ساختار فعالیت تولیدی در منطقه به فروپاشی رسیده است و در اثر این امر سازمان فضایی منطقه از یک سازمان منظم و پایدار به سمت سازمانی قطبی شده با محوریت شهرگرایی به نقاط کانونی سوق داده شده است.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، بن‌رود و جلگه، سازمان فضایی، نظام فعالیت، نواحی روستایی.

مقدمه

تغییرات الگوهای فضایی و پویای ساختاری- کارکردی نظام‌های فضایی که در روابط و پیوندهای فیزیکی میان شهرها و شبکه شهری و روستایی متجلی است، در اساس به نیروهایی مربوط است که سازوکارهای واقعی جذب، هدایت، و انتقال جریان‌های سرمایه، نیروی کار، و جمعیت را برعهده دارند. اقتصاد فضا یا ساختار فضایی یک اقتصاد (افراخته، ۱۳۹۱: ۴۱) نقش کلیدی در جریان مازاد و ساخت و بازساخت نظام فضایی شبکه منطقه‌ای برعهده دارد. از این رو، سازمان فضایی شهرها و روستاها پیوسته از درون و از بیرون تحت تأثیر نیروهای متعدد فضا (محیطی، اقتصادی- اجتماعی، تاریخی، و سیاسی) تغییر می‌کند؛ حاصل این تغییرات تحول در ساختارها و کارکردهای ناحیه و به تبع آن سازمان و ساختار نظام سکونتگاهی شهری و روستایی است. زیرا میان اجزای ساختاری و کارکردی همه پدیده‌های جغرافیایی همچون شهرها و روستاها، مناطق، و نواحی پیوند تنگاتنگ و انکارناپذیر عمودی و افقی برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌کند (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۱). پس هر نظام فضایی، از جمله سکونتگاه‌های روستایی، نه تنها تحت تأثیر نیروها و روندهای درونی جاری در محیط خود است، بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی نیز به شیوه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرد. این گونه تعامل نیروهای درونی و بیرونی از قانونمندی‌های حاکم بر همه انواع نظام‌ها به‌شمار می‌رود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۳۰۷). علم جغرافیا نیز در عمل نظام‌های جغرافیایی را بررسی می‌کند که هر نظام فضایی در جغرافیا متشکل از مجموعه‌ای از ساختارها و کارکردهاست (سعیدی، ۱۳۹۰: ۵). تغییر و تحول در یکی از اجزای نظام (سیستم) کل نظام (سیستم) را دچار تحول، تغییر، و دگرگونی می‌کند. عوامل درونی عبارت است از: عواملی که در خود فضای مورد بررسی عینیت دارد و متناسب با ویژگی‌های خود منطقه است. عوامل محیطی، موقعیت، و شبکه ارتباطی از عوامل درونی مؤثر در تحولات فضایی است و عوامل بیرونی که از سایر واقعیت‌های مکانی- فضایی یا غیرفضایی نشئت می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌های سیاسی- اداری و اقدامات عمرانی را شامل می‌شود (امین‌مقدم، ۱۳۹۰: ۱۴۹). به‌طور کلی، عوامل و نیروهای درونی و بیرونی، هریک در بستر زمان به شکلی در روند تحولات سکونتگاه‌ها تأثیر می‌گذارند. سکونتگاه‌های روستایی بخش جلگه و بن‌رود در شهرستان اصفهان نیز از این اصل مستثنی نبوده و طی سال‌های اخیر با تحولات درخور توجهی در ابعاد مختلف اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی، و کالبدی- فضایی روبه‌رو شده است؛ یکی از بارزترین تحولات منطقه فروپاشی نظام فعالیت روستایی است که به تبع آن سازمان فضایی ناحیه متأثر و تحت تأثیر آن دچار تحول و دگرگونی ژرفی شده است؛ به نحوی که در اثر فروپاشی نظام فعالیت و تولید روستایی، تعداد روستاهای بخش بن‌رود از سال ۱۳۷۵، که ۲۵ روستا بوده، در سال ۱۳۹۰ به ۱۷ روستا کاهش یافته، و در بخش جلگه ۳۲ روستا در سال ۱۳۷۵ به ۲۶ روستا در سال ۱۳۹۰ تبدیل شده است.

بنابراین، از آنجا که در منطقه مورد مطالعه از مهم‌ترین مؤلفه‌های سکونت‌گزینی و فعالیت در نواحی روستایی دسترسی به آب و وجود رودخانه زاینده‌رود و اراضی حاصل‌خیز اطراف آن بوده، سازمان‌یابی سکونتگاه‌های نواحی روستایی با ویژگی‌هایی همچون تعدد، پراکندگی در اطراف رودخانه، کوچک‌بودن اندازه سکونتگاه‌ها، و ... بر مبنای دسترسی به آب و اراضی حاصل‌خیز شکل گرفته است. طی سال‌های اخیر خشک‌سالی و خشک‌شدن رودخانه زاینده‌رود باعث شده است سطح زیر کشت استان به میزان ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۴ کمتر از سال ۱۳۹۲ باشد. در اثر ارتباط تنگاتنگ روستا و کشاورزی پیامدهای منفی خشک‌سالی طی چند سال بر اقتصاد روستایی و کشاورزی نمایان شده و تداوم آن موجب تغییر کارکردها و ساختارهای فضایی در سازمان فضایی روستاها شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). در این میان سازمان فضایی ناحیه به‌نوعی دچار بازساخت و با دگرگونی‌های جاری همراه شده است. پیامد این تحول باعث شده است بسیاری از روستاها نتوانند خود را با تغییرات و تحولات هماهنگ کنند و دچار انزوا، تخلیه، یا

نابودی شده‌اند (مانند روستاهای اسحاق‌آباد، جیشت، فارسپون، سروشان، خانی‌آباد، مزرعه رجان و ...). همچنین، ایجاد واحدهای صنعتی و کارگاهی در ناحیه به تغییر در نوع فعالیت بسیاری از روستاها انجامیده که به طبع بر نوع حرکت (رفت و آمد)، جریان تولید کالا، خدمات و شبکه ارتباطی تأثیر گذاشته است و در نوع روابط بین سکونتگاه‌ها و نقاط شهری نیز دگرگونی ایجاد کرده است؛ به نحوی که حرکت‌های روزانه به سمت شهر اصفهان در سال‌های اخیر افزایش یافته است (در سال ۱۳۷۵ روزانه ۶ سرویس (مینی‌بوس) صبح به طرف اصفهان حرکت می‌کرد؛ اما در سال ۱۳۹۳ بیش از ۱۵ سرویس (مینی‌بوس و اتوبوس) صبح‌ها به سمت اصفهان و عصر بالعکس تردد و مسافر جابه‌جا می‌نمایند).

درواقع، تغییرات محیطی - اکولوژیکی و تغییرات اجتماعی - اقتصادی در دوره‌های مختلف به صورت دگرگونی در ساختارها و کارکردهای نواحی روستایی تجلی یافته است. تغییرات کارکردها و ساختارهای فضایی سکونتگاه‌های روستایی باعث گسست میان فضاهای زیست، فعالیت، و عدم یک‌پارچگی فضایی شده است. این پیامدها هر یک به نحوی بر سازمان فضایی سکونتگاه‌های نواحی روستایی تأثیر گذاشته است. بنابراین، براساس مبانی فکری نظریه شبکه منطقه‌ای و تفکر پویا ساختاری - کارکردی در گذشته، با توجه به نوع تولید، فعالیت، و سکونت بین ساختارها و کارکردهای ناحیه مورد مطالعه نوعی انسجام و پیوند وجود داشته که با تغییر در ساختارها و کارکردها در اثر عوامل درونی و بیرونی (ارتباط درونی بین اجزا و ارتباط بیرونی میان اجزا، نظام، و محیط) نوعی گسست ایجاد شده است. پس شناخت عوامل و مؤلفه‌های بیرونی و درونی تأثیرگذار بر ساختارها و کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی اولین گام در جهت درک تحول‌پذیری سازمان فضایی و پیامدهای ناشی از این اثرها در تحولات سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی است. بنابراین، مقاله حاضر ناظر بر این موضوع است که «فروپاشی نظام تولید روستایی در نواحی روستایی منطقه مورد مطالعه در اثر کدام دسته از عوامل درونی و بیرونی به وقوع پیوسته و این امر چه تحولی در سازمان فضایی منطقه ایجاد کرده است؟» بر این اساس، هدف اصلی مقاله حاضر تبیین تحولات ساختاری - کارکردی سازمان فضایی سکونتگاه‌های منطقه مورد مطالعه در اثر فروپاشی نظام فعالیت روستایی است. برای درک عمیق‌تر تحولات سازمان فضایی سکونتگاه‌های انسانی منطقه مورد مطالعه می‌بایست به سؤالات زیر پاسخ مناسب داده شود:

سازمان فضایی سکونتگاهی در چه فرایندی از نظام فعالیت متأثر شده است؟ تحول‌پذیری آن متأثر از چه عواملی بوده است؟ و پیامدهای تحول آن چه بوده است؟

مبانی نظری

سکونتگاه‌های انسانی دارای ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، نهادی، و مدیریتی‌اند که برای بررسی و تحلیل آن‌ها و برای دستیابی به توسعه پایدار توجه به همه ابعاد از ضروریات است. از سوی دیگر، آرایش مکانی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌ها در فضا، سطح توسعه مراکز سکونتی اعم از شهرها یا روستاها و مجاری ارتباطی و گره‌ها آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شهرها و روستاها در طی زمان همیشه از طریق جریان‌هایی نظیر جریان افراد، کالاها، پول و سرمایه، و اطلاعات با هم در تعامل و پیوند بوده‌اند که بر فعالیت همدیگر تأثیر می‌گذارد؛ همان‌گونه که پیتر هاگت بیان می‌کند، سکونتگاه‌ها مانند شبکه به هم متصل‌اند؛ زیرا جریان‌های فضایی بین روستاها و شهرها یک نظام شبکه‌ای در ناحیه ایجاد می‌کنند؛ این نظام حاصل کنش‌های متقابل سکونتگاه‌ها بر همدیگر است شکل شبکه و الگوهای جریان‌های فضایی براساس حرکت پول، کالا، و افراد است و بر پایه شش اصل - حرکت، مجاری، گره‌ها، سلسله‌مراتب، سطوح، و پراکنش - قرار دارد؛ این عناصر عوامل شکل‌دهنده شبکه و سازمان فضایی سکونتگاه‌ها می‌باشند که در شکل‌دهی به جریان‌های فضایی در ناحیه نقش بارزی دارند و سبب تفاوت‌های فضایی می‌شوند.

بنابراین، محققان، اقتصاددانان، و جغرافی‌دانان برای شناخت خصلت‌های حاکم بر فضا از طریق جست‌وجو در نظام و روابط حاکم بر سیستم و همچنین ساختارها و کارکردهای حاکم بر نظام‌های سکونتگاهی، به‌ناچار از مدل‌ها و روش‌هایی برای تعیین قانونمندی‌های حاکم بر فضاها استفاده کرده‌اند. برخی از این مدل‌ها دارای ابعاد مکانی-فضایی بوده که قادر به بررسی، تحلیل، و تبیین وضع موجود سازمان فضایی و ساختار حاکم بر آن، تغییرات و تحولات سازمان فضایی، و آینده‌نگری در سازمان فضایی سکونتگاه‌ها و چگونگی چیدمان بهینه آن‌هاست. از این رو، نظریه‌های سنتی تبیین سازمان فضایی سکونتگاه‌ها مانند هزینه‌های حمل و نقل (و بر، ۱۹۲۸؛ کریستالر، ۱۹۳۳؛ ایزارد، ۱۹۵۶) قطب رشد (پرو، ۱۹۵۵)، مراکز رشد (میسرا، ۱۹۶۰)، رویکرد روستا-شهری (فریدمن و داگلاس، ۱۹۶۶)، مرکز - پیرامون (فریدمن، ۱۹۶۶)، کارکردهای شهری در توسعه روستایی (راندینلی، ۱۹۸۰)، مکان رقابت‌کنندگان (پرد، ۱۹۶۶)، و فاصله با مصرف‌کنندگان (لوش، ۱۹۵۴، فون تونن، ۱۸۲۶)، و کارهای آلفرد وبر (۱۹۲۸) در صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس هر یک بر جنبه‌ای از فضا، زمان، و مکان در سازمان فضایی تأکید داشته‌اند (قاسمی سیانی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). اما در عرصه جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی، نومنطقه‌گرایی، رقابت‌پذیری منطقه‌ای، عدالت فضایی، یک‌پارچگی فضایی، و ... از مباحث عمده در تحقیقات به‌شمار می‌آید و با تمسک به رویکرد سیستمی که شهرها و روستاها را به‌منزله یک سیستم محسوب می‌نماید که دارای کلیت، عنصر، و ارتباط (ریف، ۱۹۷۳، نقل از شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۰) بوده و روابط متقابل آن‌ها را در سطح مناطق بیان می‌کند (تیلور و همکاران، ۲۰۱۰) این رویکرد جدید، با در نظر گرفتن ساختارهای یک‌پارچه منطقه‌ای، نگرش نوینی در قلمرو تحلیل سیستم‌های شهری و منطقه‌ای و شناخت نظام‌های حاکم بر فضا ارائه می‌داد که به چند دلیل از نظریه‌های سنتی عزیمت کرده است: از یک سو، نظام سکونتگاهی (شهری و روستایی) نه‌تنها از مجموعه مصادیق کالبدی-در این مورد سکونتگاه‌های شهری-تشکیل شده، بلکه جریان‌ها و ارتباطات فضایی میان شهرها را نیز دربر می‌گیرد (صرافی، ۱۳۹۳: ۸۶۶) و از طریق مجموعه کنش‌ها و روابط بیرونی شهرها و جایگاه هر یک در شبکه پیچیده بیرونی تعریف می‌شود. در دوران کنونی انسجام شهر با کشور، شهر با پیرامون، شهر با روستا، شهر با منطقه مورد بحث برنامه‌ریزان بوده (مک لوگلین، ۱۹۹۴: ۲۱) و بدین منظور دیدگاه‌های شبکه‌ای، شبکه منطقه‌ای، شبکه هم‌پیوندی و ... اهمیت و اعتبار یافته و پایه مطالعات کنونی را تشکیل داده است. این دیدگاه‌ها هر یک با توجه به اصول و اهداف خود سعی در تبیین سازمان فضایی، ساختار، و کارکردهای نظام‌های فضایی داشته‌اند. در رویکرد شبکه منطقه‌ای رشد و توسعه هماهنگ از طریق روابط مکمل و پیوندهای سازمان‌یافته بین نواحی شهری-روستایی در سطح مناطق توصیه شده است. در این رویکرد بر تغییر ساختاری و توسعه روستایی با نقش‌ها و عملکردهای شهری از راه مجموعه‌ای از جریان‌ات روستایی-شهری تأکید شده است. این نظریه، ضمن تبیین عملکردها و نقش‌های روستایی (در ابعاد ساختار/روابط اجتماعی-اقتصادی، اقتصاد روستایی (بخش‌ها)، شیوه‌های تولید روستایی، محیط طبیعی و منابع و زیرساخت‌ها و محیط مصنوع) و عملکردها و نقش‌های شهری (در ابعاد اشتغال‌زای غیرکشاورزی، خدمات رفاهی شهری، عرضه تولیدات، ارائه کالاهای مصرفی (بی‌دوام و بادوام)، بازار فروش تولیدات روستایی، فرآوری و تولید مصنوعات و اطلاعات‌رسانی در زمینه اشتغال، تولید، قیمت‌ها و خدمات رفاهی) پنج نوع جریان مردم، تولید، سرمایه، و اطلاعات را شناسایی می‌نماید که باور دارد باعث پیوند مکمل و دوسویه روستایی-شهری می‌گردند (عزیزپور و شمسی، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۸). از سوی دیگر، پویای ساختاری-کارکردی بر این باور است که میان ساختار و کارکردهای پدیده‌های مکانی-فضایی نوعی پیوستگی نظام‌وار حاکم است که یکی بدون حضور متناسب دیگری امکان تحقق نمی‌یابد و میان ساختار و کارکرد تمام پدیده‌ها و پدیده‌های جغرافیایی نوعی پیوند تنگاتنگ و انکارناپذیر برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌کند. بدین‌سان، نظام‌ها، نظام‌های مکانی-فضایی، متأثر از دو دسته

عوامل و نیروها هستند: عوامل و نیروهای درونی و عوامل و نیروهای بیرونی. نکته درخور توجه این است که انسجام ساختاری و توانمندی کارکردی نظام‌های مکانی- فضایی در تعیین گستره محیط آن‌ها نقش بنیادی برعهده دارد. به دیگر سخن، انسجام و استحکام ساختاری تعیین‌کننده دامنه کارکردپذیری، یعنی برخورداری از فعالیت‌ها و برپایی روابط هر نظام در عرصه محیط- محیط نظام- است (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

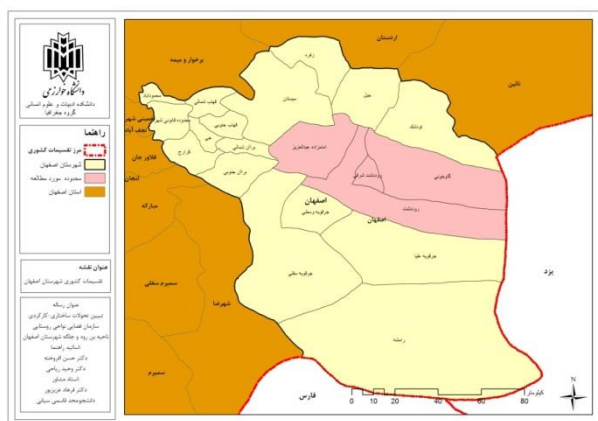
بنابراین، با تکیه بر اصول و مؤلفه‌های رویکرد شبکه منطقه‌ای که تلاش می‌نماید تا پوشش مطلوب نظام فضایی را در بین شهرها و روستاها فراهم نماید و با توجه به اصول و بنیان‌های پوشش ساختاری- کارکردی میان ساختار و کارکرد تمام پدیده‌ها نوعی پیوند تنگاتنگ و انکارناپذیر برقرار است که تغییر در یک جزء تغییر در جزء دیگر و تغییر در کل یک نظام را فراهم می‌کند. بنابراین، در اثر عوامل درونی و بیرونی در جریان زمان ممکن است در ساختار- کارکرد، الگو، ترتیب، نظم و ... یک سکونتگاه تغییر شکل رخ بدهد. در این مقاله با مبنا قراردادن این اصول و مبانی با توجه به فروپاشی نظام تولید و فعالیت در ناحیه روستایی مورد مطالعه در پی تبیین بازساخت سازمان فضایی منطقه می‌باشیم؛ زیرا فروپاشی نظام فعالیت در تعداد روستا، تعداد جمعیت سکونتگاه‌ها، تعداد مسکن، تعداد شاغلان، تغییر شاغلان در بخش‌ها و ... تأثیرگذار بوده و بر جریان‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای تأثیر گذاشته و شکل و چیدمان گر‌ها، سطوح، و نقاط را دست‌خوش تغییر و دگرگونی کرده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای است و به‌منظور دست‌یابی به هدف تحقیق در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش، با رویکرد فضایی و نگرش سیستمی به تبیین تحولات ساختاری- کارکردی و تغییرات سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی واقع در ناحیه مورد مطالعه (بخش بن‌رود و جلگه شهرستان اصفهان) در اثر تحول نظام فعالیت می‌پردازد. روش اصلی تحقیق در این مطالعه از نوع کیفی است؛ اما از روش‌های کمی و اسنادی نیز در بخش‌هایی از مطالعه استفاده شده است؛ زیرا پژوهش در خصوص تحولات ساختاری- کارکردی سازمان فضایی ضروری می‌نماید که پژوهشگر در متن جامعه حضور فعال و جدی داشته باشد؛ زیرا اجتماع انسانی از واقعیت‌های متعددی تشکیل شده است که بسیار فراتر از کالبد و نمود عینی آن است واقعیت‌هایی که ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی آنها را شکل می‌دهد. از این رو، در بررسی واقعیت‌ها قرائت‌های متفاوتی وجود دارد و روش‌های کیفی، روش نظریه بنیادی^۱ یا زمینه‌ای به‌عنوان روش بررسی اصلی در این مطالعه انتخاب شده‌اند. روش نظریه بنیادی از جمله روش‌هایی برای پژوهشگران توسعه است که قصد شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی افراد در یک موقعیت خاص را دارند. در این روش با به‌کارگیری روش‌های متعدد و چندگانه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها اعم از کمی و کیفی و امکان تحلیل‌های مجدد و رفت و برگشت بسیار میان نظریه (تحلیل داده‌ها) و میدان (گردآوری داده‌ها)- که کرسول (۲۰۰۲) آن را جریان «زیگزاگی» می‌نامد- تلاش می‌شود شناخت نظری دقیقی درباره پدیده مورد بررسی فراهم شود. در این روش، بر مصاحبه و مشاهده برای تولید داده‌های تجربی، جذب پژوهش در میدان پژوهش، جلب اعتماد افراد مورد بررسی، و به‌کارگیری هر نوع روش مناسب برای جمع‌آوری اطلاعات تأکید می‌شود (از کیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲). در روش کیفی، جامعه آماری و نمونه‌گیری در معنای آنچه در مطالعات کمی مطرح است وجود ندارد. در این تحقیق، به‌منظور گردآوری اطلاعات با عنایت به موضوع پژوهش انتخاب مشارکت‌کنندگان براساس گروه سنی و به‌صورت هدفمند آغاز شد؛ بدین منظور افراد منتخب از گروه سنی ۳۵ تا ۸۰ سال انتخاب شدند؛ دلیل این امر آن بود که این افراد،

ضمن درک زمان حاضر، زمان گذشته روستا را نیز به یاد داشته و در این بازه زمانی اطلاعات خوبی را به محقق ارائه خواهند نمود، به همین دلیل، آن‌ها بهترین افراد برای کسب اطلاعات درباره شناخت روند زمانی و شناخت تحولات و تغییرات رخ داده‌اند. انتخاب شرکت‌کنندگان تحقیق با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف آغاز شد و با نمونه‌گیری تئوریک ادامه پیدا کرد. سعی شده تا گذشته روستا و رویدادهای تاریخی- که روند تغییرات را شکل داده‌اند- از طریق مصاحبه با بزرگان به دست آید. جمع‌آوری داده‌ها تا هنگامی که مقوله‌های اصلی ظاهر شوند ضروری است. پس نمونه‌گیری نظری تا هنگامی که مقوله‌ها به «اشباع نظری» برسند ادامه خواهد یافت. دو نوع نمونه‌گیری نظری و هدفمند به محقق کمک می‌کند که نه تنها در انتخاب افراد مطلع، بلکه در نمونه‌گیری از محیط طبیعی، اسناد و مدارک و دیگر داده‌های مورد نیاز نیز هدفمند و با آگاهی عمل کند. در این پژوهش مصاحبه با ۲۷ نفر از مطلعان و کشاورزان و ساکنان روستای انتخاب‌شده اشباع نظری را برای محققان حاصل نمود. در این مطالعه برای روایی و اعتبار تحقیق از الگوی لینکن و گوبا و استراتژی ممیزان بیرونی به‌عنوان مشاور خارجی استفاده شده است. برای تحلیل اطلاعات و کشف مفاهیم و مقولات سه نوع کدگذاری انجام گرفته است: ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ و ۳. کدگذاری انتخابی (استرواس و کوربین، ۱۳۸۵: ۵۸).

قلمرو مکانی پژوهش ناحیه سکونتگاهی شرقی شهرستان اصفهان است. در این پژوهش دو بخش جلگه و بن‌رود که دارای بافت روستایی بوده و در سال‌های اخیر با عنایت به مشکلات محیطی، نظام فعالیت سنتی کشاورزی آن به فروپاشی رسیده و دچار ناپایداری اجتماعی- محیطی و اقتصادی شده انتخاب و بررسی شده است.



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه در شهرستان اصفهان
مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۶

بحث و یافته‌ها

فعالیت و اشتغال غالب در بخش بن‌رود و جلگه شهرستان اصفهان اشتغال مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده است؛ در کنار فعالیت غالب، صنایع دستی به‌خصوص صنعت فرش دستباف و فرش‌بافی در منازل رواج بسیاری داشته است. با وجود این، در چند سال اخیر تغییرات اقتصادی چشم‌گیری در منطقه رخ داده است؛ این تغییر و تحولات اثرهای درخور توجهی بر زندگی، کار، و فعالیت مردم گذاشته است. مهم‌ترین تحول خشک‌شدن رودخانه زاینده‌رود، وقوع خشک‌سالی، و کاهش نزولات جوی بوده که فعالیت مردم بر آن اساس از قدیم استوار بوده است. در کنار این مسئله، ورود مشاغل خدماتی، مشاغل اداری، رانندگی، کامیون‌داری، مغازه‌داری، پرورش ماهی، تولید گلخانه‌ای، پرورش بوقلمون و بلدرچین و ... در روستاها باعث تحول در تنوع اشتغال روستایی شده است. در حال حاضر، در روستاهای مورد مطالعه، از

حداقل یک مغازه تا ۴۰ مغازه در حال فعالیت می‌باشند که این امر در دسترسی آسان به مواد غذایی مؤثر بوده است؛ ورود این مشاغل به کاهش فعالیت در شغل‌های سنتی دام‌داری و دام‌پروری و حتی صنایع دستی و قالی‌بافی انجامیده است. از سوی دیگر، رشد تحصیلات و تحصیلات عالی در بین جوانان از رغبت آن‌ها به کار کشاورزی کاسته است. بررسی ساختار فعالیت و فروپاشی نظام تولید روستایی از طریق مصاحبه با کشاورزان و روستائیان منطقه انجام پذیرفت و مصاحبه‌ها تحلیل شد. در مرحله کدگذاری باز تعداد ۸۹ مفهوم به دست آمد؛ این مفاهیم در مرحله دوم کدگذاری، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در هفت مقوله طبقه‌بندی شدند. این مقوله‌ها در سطح بالاتری از انتزاع قرار دارند. جدول ۱ زیر مقوله‌های عمده به دست آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌های اصلی فروپاشی نظام فعالیت

مقوله	مفاهیم
محدودیت منابع آب و خاک	پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی، کیفیت بد آب‌های زیرزمینی، محدودیت منابع آب، کمبود منابع آب، خشک‌سالی، کمبود آب‌های سطحی و کاهش آب‌های زیرزمینی، کاهش نزولات جوی، وابستگی به آب، محدودیت منابع، فرسایش خاک، تخریب و فرسایش، فرسایش و نابودی زمین، کمبود آب و اشتغال، کمبود منابع آب
تضعیف نقش تولید کشاورزی	محدودیت فعالیت دام‌داری، عدم صرفه اقتصادی دام‌داری، محدودیت منابع، عدم تناسب هزینه و درآمد گاوداری و مرغ‌داری، کمبود مراتع، کاهش سطح کشت، کاهش تنوع محصول، وابستگی زیاد به آب، افزایش مشاغل جانبی، تغییر فعالیت، مصرف‌گرایی، تغییر الگوی کشت، تغییر شیوه فروش محصولات، تغییر اشتغال، عدم بازدهی مناسب، کاهش تولید محصول، کاهش سطح زیرکشت
تضعیف نظام اقتصاد روستایی	کاهش سطح درآمد، فشار اقتصادی، خشک‌سالی و نیاز به حمایت دولت، محدودیت دسترسی به منابع مالی، کاهش درآمد، عدم درآمد و تورم، اقتصاد ضعیف، بی‌کاری و کاهش درآمد، کاهش بدهکاری، محدودیت درآمد، فقر نسبی، کاهش درآمد و کاهش اوقات فراغت، بی‌کاری و احتیاج به شغل، محدودیت منابع مالی، وقوع خشک‌سالی، کاهش تولیدات و افزایش هزینه‌ها، کاهش اقتصاد خرد
سیاست‌های کلان دولت	انتقال آب به یزد، نادیده گرفتن حق آبه پایین دست، اجازه برداشت بی‌رویه در بالادست، صنعتی‌سازی، ایجاد بندر خشک، ایجاد شهرک صنعتی، توسعه شهرها، عدم خرید تضمینی محصول، توجه به محصولات غیراستراتژیک
کاهش نیروی انسانی فعال در تولید	بی‌کاری زنان، عدم رونق صنایع و اشتغال، بی‌کاری و کاهش درآمد، بی‌کاری جوانان، عدم اشتغال در مکانیزاسیون شهرک‌های صنعتی، فقدان صنایع، کاهش صنایع دستی، کاهش شاغلان بخش کشاورزی
تضعیف ساختارهای بومی نظام بهره‌برداری از منابع آب	مطالبه حق آبه، احساس تبعیض، مطالبه حقوق، اعتراض مردمی، یأس و ناامیدی از آینده، عدم رضایت از طرح‌های عمرانی، برهم خوردن نظام نسق، افزایش بوروکراسی اداری، جذب سرمایه در شهرها
تغییر در ساختار اشتغال به نفع بخش خدمات	تغییر اشتغال، تمایل به شغل خدماتی، مغازه‌داری، شغل کارمندی، تشویق به تحصیل، افزایش مشاغل غیرپایه، نقش کارآفرینان، اولویت با اشتغال کشاورزی در برابر مشاغل دیگر، تضعیف نقش کشاورزی، عدم حمایت دولتی از کشاورزی، وابستگی اشتغال به سواد، افزایش اشتغال تخصصی، رشد کارآفرینی، خرید محصول توسط دولت، تغییر شیوه فروش محصول (رشد واسطه‌گری)
رشد مهاجرت فرستی	خروج دائم از روستا، مهاجرت جوانان از روستا، عدم سرمایه‌گذاری مهاجران در روستا، تخلیه روستا در اثر خشک‌سالی، عدم سرمایه‌گذاری، عدم ارائه وام جهت تولید، سطح پایین تخصص، عدم رونق صنایع روستایی، سرمایه‌گذاری غیرتولیدی دولت، تمایل به شهرشدن روستا، افزایش مکانیزاسیون، نیاز به حمایت دولت، مهاجرت از روی اضطرار

همان‌گونه که در جدول ۱ دیده می‌شود، در این مرحله هشت مقوله عمده استخراج شده است. در این بخش، به شرح هر یک از مقوله‌ها با ارجاع به گفته‌های مشارکت‌کنندگان و ارتباط بین آن‌ها پرداخته می‌شود. محققان برای نوشتن بخش تفسیری و ربط‌دادن مفاهیم با یکدیگر از شیوه تفسیری براساس ارجاع مصاحبه‌ها و آنچه در مقولات به دست آمده است بهره گرفته‌اند.

محدودیت منابع آب و خاک

در طی سال‌ها سکونت و فعالیت با وجود آب رودخانه و مادی‌های آن بر مبنای فعالیت کشاورزی جریان داشت و کشاورزی خوب و پُرونقی شکل گرفته بود؛ اما در طی سال‌های اخیر به دلیل کاهش نزولات جوی از یک سو و انتقال آب زاینده‌رود به استان یزد، رودخانه زاینده‌رود عملاً خشک شده و مشکلات متعددی را به وجود آورده است. وضعیت فعلی منطقه به گونه‌ای است که در اطراف هر روستا زمین‌های کشاورزی رهاشده بسیاری وجود دارد و مادی‌هایی که چندین سال است در آن‌ها آب جریان نیافته است.



شکل ۳. کانال‌های سیمانی دولتی رهاشده



شکل ۲. مادی‌های قدیمی روستا (حاصل تقسیم آب شیخ بهایی)

وقتی که محققان در رابطه با شغل و فعالیت از مصاحبه‌شوندگان سؤال می‌کردند اولین پاسخ مشترک آن‌ها این جملات بود: «آب نداریم، کار نداریم، درآمد نداریم». آن‌ها ضمن ابراز نارضایتی از انتقال آب رودخانه به یزد، از بی‌اعتنایی مسئولان شکایت داشتند و از حق‌آبه خود صحبت به میان می‌آوردند. از سوی دیگر، کمبود آب‌های زیرزمینی و پایین رفتن سطح آب نیز مشکلی بود که آن‌ها عملاً نمی‌توانستند از آب بهره‌برداری کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با مقایسه زمان حاضر و زمان گذشته چنین می‌گوید:

آن زمان ترسالی بود. زمین را ۴ متر می‌کندی، ۲ اینچ آب می‌داد. ۶ متر می‌کندی، ۴ اینچ آب می‌داد؛ اما زمان حاضر خشک‌سالی است؛ ۱۰ متر هم می‌کنی، ۲ اینچ آب نمی‌دهد.

از سوی دیگر، کیفیت آب‌های زیرزمینی نیز بسیار نامطلوب بیان شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان در توصیف کیفیت بد آب‌های زیرزمینی چنین بیان می‌کند:

چاه می‌زنیم به‌زور ۳ اینچ آب می‌دهد؛ آن هم شور؛ کاش شور بود! زهر مار ... رنگ آب سبز و تیره است؛ به جای رنگ آبی.

یکی از مهم‌ترین مشکلات اکولوژیک رخ داده از نظر مردم خشک‌سالی است. آن‌ها دو دوره مشخص را برای خود تداعی می‌نمایند: سال‌های قبل از انقلاب و تا سال ۱۳۷۵ را دوران ترسالی یاد می‌کنند که در آن زمان‌ها همه زمین‌های خود را کشت می‌کردند و انواع محصولات مختلف را به‌دست می‌آوردند و از سال ۱۳۷۵ تا زمان حاضر را دوران خشک‌سالی و کاهش نزولات جوی یاد می‌نمایند. خشک‌سالی یادشده باعث عدم کشت محصول و عدم تنوع در کشت شود و این امر بر فرسایش زمین‌های کشاورزی دامن زده است. یکی از کشاورزان درباره فرسایش زمین‌های خود در اثر کشت‌نشدن می‌گوید:

اگر چند سال زمین کشت نشود، کویر می‌شود. الان من ۴۰ هکتار زمین‌های خود را چند سال است کشت نکرده‌ام. از وسط آن جاده ماشین‌رو رد شده است. همه‌اش کویر شد، خراب شد. اگر آب بود و کشت می‌شد، این اتفاق نمی‌افتاد! ...



شکل ۴. فرسایش و نابودی زمین‌های حاصل‌خیز کشاورزی به سبب عدم کشت

یکی دیگر از اهالی قدیم روستا، که طبع شعر هم دارد، همه این وقایع را در قالب شعر بیان کرده است. او در باب خشک‌سالی و انتقال آب رودخانه به یزد می‌گوید:

نمی‌دانی که سد را سوراخ کردند که آبش بهر یزد آماده کردند
سراسر بخش را ویرانه کردند کشاورزش همه آواره کردند

و مصاحبه‌شونده دیگر در باب خشک‌سالی چنین بیان می‌کند:

تا قبل از خشک‌سالی همه خوش بودیم؛ الان نه درآمد داریم، نه کار، نه پول! خشک‌سالی زندگی همه ما را فلج کرده است. دیگر نمی‌توانم کشت کنم؛ آب نیست. همه زمین‌هایم کویر شده! ...

مشکلات اکولوژیک رخ داده به نوعی یکی از علل تحولات بعدی در روستاها بیان شده است؛ به طوری که افراد مصاحبه‌شونده این امر را باعث کاهش فعالیت و درآمد دانسته‌اند. در نتیجه، محدودیت‌های طبیعی از جمله آب و بارندگی، اشتغال پایه بخش بن‌رود و جلگه نیز دست‌خوش تحول شده است. فعالیت‌های پایه اقتصاد کشاورزی و دام‌داری بوده است. کشاورزی، که رکن اصلی فعالیت و اقتصاد روستاهای منطقه بوده، نخست به صورت نظام ارباب و رعیتی اداره می‌شد و با اجرای اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی کشاورزان خرده‌پا شکل جدیدی از کشاورزی را به وجود آوردند و در زمان انقلاب اسلامی نیز هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین با تقسیم اراضی بزرگ مالی در بین گروه‌های روستایی اداره آن‌ها را به مردم روستایی به صورت مشاع واگذار کردند. از آن زمان تا سال‌های اخیر، که خشک‌سالی در منطقه وقوع پیدا می‌کند، کشاورزی رونق بسیار زیادی داشته و انواع محصولات در روستاهای منطقه تولید و به فروش می‌رسید؛ اما در طی دو دهه اخیر با وقوع خشک‌سالی و کاهش آب‌های سطحی و زیرزمینی بهره‌وری کشاورزان بسیار پایین آمده، محدودیت منابع آب و خاک در منطقه به بی‌کاری و افزایش استرس و ناامیدی در روستاها انجامیده است.

تضعیف نقش تولید کشاورزی

تولید محصولات کشاورزی در منطقه مورد مطالعه در سال‌های اخیر به دلیل محدودیت‌های منابع آب بسیار کاهش یافته است؛ این مسئله هم در میزان تولیدات هم در نوع محصولات و انواع محصول و کشت رخ داده است. در گذشته انواع محصولات جالیزی، غلات، چغندر، پنبه، و حتی محصولات لبنی به میزان بسیار زیادی کشت و برداشت می‌شد؛ اما طی یک دهه اخیر محصولات تولیدی کشاورزی منطقه فقط به غلات آن هم فقط گندم و جو محدود شده است.

کشاورزان و مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌های خود از انواع محصولات کشت‌شده خود در قدیم می‌گفتند که اکنون دیگر توان طبیعی اجازه کشت آن‌ها را به کشاورزان نمی‌دهد. یکی از کشاورزان می‌گوید:

در عصر قدیم همه چیز می‌کاشتیم؛ گندم، جو، ارزن، چغندر، شوید، خربزه، گل رنگ و ... الان دیگر آب نیست؛ فقط می‌توانیم مقداری گندم و جو بکاریم. دیگر آب نیست؛ زمان خشک‌سالی است. کشت نداریم ... در عصر قدیم آب داشتیم،

رودخانه و مادی‌ها پُر از آب بود؛ ما هم همه چیز می‌کاشتیم؛ گندم، جو، ارزن، شوید، چغندر و ... اما الان بیابان تا بیابان کویر شده! آب که نباشد آبادانی نیست! ...

مصاحبه‌شوندگان، در مقایسه امروز با گذشته، همیشه با حسرت از گذشته و میزان آب یاد می‌کنند و می‌گویند: «اگر آب آن زمان را داشتیم، الان اینجا آباد بود.» کشاورزی در حالت مقایسه می‌گوید: «اگر همان آب الان بود، اینجا شمرون می‌شد.» آن‌ها از میزان کاهش محصولات خود ابراز نارضایتی می‌کنند و میزان بهره‌وری محصول فعلی را بسیار پایین‌تر از گذشته می‌دانند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

۱۵ سال قبل من ۳۰ تن گندم، ۵۰ تن چغندر، ۲ تن پنبه و ... برداشت می‌کردم. الان چی! سالی ۱۰ تن گندم هم به‌زور برداشت می‌کنم. ۲۰ هکتار زمین می‌کارم ۱۰ تن گندم ندارم، محصول نمی‌دهد! ...

مشکلات یادشده باعث شده است در بخش کشاورزی برخی کشاورزان با تغییر نوع شغل و تغییر کاربری زمین خود به فعالیت‌های جانبی روی بیاورند، شغل‌هایی همچون گلخانه‌داری، پرورش ماهی، و پرورش بوقلمون در زمین‌های کشاورزی رو به ازدیاد است. یکی از افراد مصاحبه‌شونده در این خصوص می‌گوید:

الان چون آب نیست، برخی‌ها آمده‌اند گلخانه زده‌اند؛ درون گلخانه خیار و گوجه پرورش می‌دهند. آب نیست. دستگاه آب‌شیرین‌کن آورده‌اند، چون گلخانه آب خیلی کمی می‌خواهد ...

مصاحبه‌شونده در ادامه این کار را مناسب ارزیابی می‌نماید و می‌گوید:

الان اگر پول بدهند، وام بدهند، چون آب نیست، کارهایی همچون گلخانه که آب زیاد نیاز ندارد یا آب کم می‌خواهد، بسیار مناسب است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان سختی کار کشاورزی دوران فعلی را فقط نبود آب و دسترسی سخت به آب یاد می‌کند. او مهم‌ترین تفاوت دوره کنونی و قدیم را فقط در میزان آب می‌داند که این امر بر کشاورزی، میزان محصول، نوع محصول، و دام‌داری اثر مستقیم گذاشته است. او در ادامه با بیان شعری این موضوع را توضیح می‌دهد:

نه آب داریم کشاورزی نماییم نه گاو داریم که دام‌داری نماییم

یکی از مصاحبه‌شوندگان، که خود چندین سال در شورای بخش و شورای روستا فعالیت داشته و شغل او کشاورزی و دام‌داری است، در توصیف کاهش محصولات کشاورزی با آمار و ارقام می‌گوید:

از ۱۷ روستای بخش بن‌رود، ۱۳ روستا با استفاده از آب رودخانه کشاورزی می‌کنند و ۴ روستا از آب قنات بهره می‌برند. این ۱۷ روستا، ۲۲ هزار هکتار زمین کشاورزی دارند. پارسال (۱۳۹۳) ما ۴۰ هزار تن جو، ۱۲ هزار تن علوفه خشک، ۱۸ هزار تن گندم فقط در بخش کشت غلات داشتیم. حال اگر ما جدای از آیش زمین، همانند ۱۰ سال پیش، ۲۲ هزار هکتار را کشت کنیم، می‌توانیم ۶۰ هزار تن گندم، ۲۰ هزار تن جو مانند گذشته تولید کنیم. میزان کشت محصول در بخش بسیار کاهش داشته و تولیدات ما کم شده است ...

از سوی دیگر، یکی دیگر از جنبه‌های تولیدی در روستاها دام‌داری بوده است که این امر نیز رو به تضعیف نهاده و دام‌داری به‌صورت گله‌های دام بزرگ نابود شده است. دام‌داری در منطقه مورد مطالعه به‌صورت گله‌های بزرگ از قدیم در همه روستاها رواج داشته است؛ اما در سال‌های اخیر از تعداد دام‌ها به‌شدت کاسته شده است؛ به‌طوری‌که یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند:

در قدیم، در روستای ما ۵۰۰۰ گوسفند بود؛ ۱۰۰۰ رأس گاو بود؛ اما الان در کل ۳۰۰ گوسفند و ۱۰ گاو هم نیست و ...

مصاحبه‌شونده دیگر، که خود چندین سال است دام‌داری را تعطیل کرده، در خصوص دام‌داری و کاهش آن چنین

بیان می‌کند:

۷۰ درصد دامداری روستا کاهش یافته است. قبلاً ۲۴۰ خانوار در روستا بودند که از این تعداد شاید ۲۰ خانوار دام و گاو نداشتند؛ همه گاو داشتند و شیر، ماست، گوشت و غیره را خودشان تولید می‌کردند؛ اما الان برعکس شده. شاید به‌زور ۳۰ خانوار گاو و دام داشته باشند؛ یعنی در کنار خانه گاو نگه می‌دارند. خود من که دامدار بودم دیگر گله ندارم؛ فقط حدود ۳۰ گوسفند به‌صورت پرواربندی نگه می‌دارم.

یکی دیگر از دلایل کاهش فعالیت دامداری افزایش هزینه‌های دامداری و گرانی علوفه و جو بیان شده است؛ به‌طوری‌که بسیاری از خانواده‌های روستایی به‌سبب ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها و عدم تناسب هزینه-فایده‌گاو‌داری یا مرغ‌داری این فعالیت را ترک کرده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند:

نمی‌توانم دیگر گاو و مرغ نگه دارم. الان گندم کیلویی ۱۵۰۰ تومان شده است؛ این گندم را بدهم مرغ کود تولید کند، بدهم تخم‌مرغ ۸۰ تومانی بکند، روزی ۲ کیلو باید گندم بدهم تا ۱۰ تخم‌مرغ ۸۰ تومانی به‌دست آورم. هزینه‌نگه‌داری گاو بالا رفته است؛ اما هنوز شیر ارزان و کیلویی ۱۰۰۰ تومان است.

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در باب هزینه‌های دامداری و عدم صرفه اقتصادی دامداری می‌گوید:

من الان پرواربندی دارم. امسال ۳۰ گوسفند خریدم؛ اما چون خشک‌سالی است، یونجه ندارم؛ باید علوفه بخرم. پارسال ۴ میلیون هزینه خرید گوسفند و خوراک آن‌ها کردم. چهار ماه آن‌ها را نگه داشتم. بعد آن‌ها را ۳۸۰۰ فروختم. سود نکردم، هزینه بالاست.

افزایش هزینه‌های جانبی نگه‌داری دام نیز یکی دیگر از دلایل کاهش دامداری در منطقه بیان شده است. یکی از روستاییان، که در حال حاضر به‌صورت محدود دامداری می‌کند، در خصوص افزایش هزینه‌ها و علت کاهش فعالیت دامداری خود بیان می‌کند:

امروزه، هزینه یک چوپان ۶۰ هزار تومان در روز است؛ در ماه می‌شود ۲ میلیون. علوفه جای کشت زمان قدیم ۲ ریال بود. الان هر جریب جای کشت ۸۰ هزار تومان جو و علوفه باید خرید. جو کیلویی ۹۰۰ تومان و یک تن علوفه ۲ میلیون؛ به نظر شما با این هزینه‌ها می‌شود پرواربندی کرد. بعد گوشت را مگر از من چقدر می‌خرند؟ گوسفند زنده را کیلویی ۷ هزار تومان؛ دخل و خرجش یکی نیست، فایده ندارد.

همان‌گونه‌که ملاحظه شد، کاهش تولیدات کشاورزی، دامداری، و تولیدات دامی در اثر عوامل محیط طبیعی، اکولوژیک (وقوع خشک‌سالی)، کاهش مراتع، کمبود آب، و افزایش هزینه‌های عدم صرفه اقتصادی فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در منطقه رخ داده است.

تضعیف نظام اقتصاد روستایی

از گذشته دور اقتصاد روستاهای منطقه اقتصاد مبتنی بر فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، و تا حدودی صنایع دستی بوده است. در حال حاضر که نظام تولید روستایی تضعیف شده است، اقتصاد خانوارهای روستایی نیز تضعیف شده. در منطقه مورد مطالعه، تولیدات کشاورزی و دامی روستاها در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته است و به طبع این مسئله بر درآمد خانوارها تأثیر گذاشته است. محدودیت دسترسی به منابع مالی فقر نسبی را بر روستاها حاکم کرده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص بیان می‌کند:

مردم اینجا سه نوع درآمد داشتند. کشاورزی و دامداری را خشک‌سالی و دولت در انتقال آب رودخانه به یزد از بین بردند و دیگر وجود ندارد. فرش دستباف را هم دولت. دیگر درآمد و اقتصادی نمانده است!

نظام اقتصاد روستایی تابعی از تولید و فروش محصولات کشاورزی است. با توجه به اینکه تولید کاهش یافته، درآمدها پایین آمده است. یکی از کشاورزان در این باره می‌گوید:

من ۱۵ سال پیش سالی ۲۰ تا ۳۰ میلیون درآمد داشتم. الان درآمد صفر است. کشت ندارم، الان به خاطر بدهکاری به بانک‌ها هر روز جریمه تأخیر وام‌هایمان بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، روستاییان برای انجام دادن شغل یا راه‌اندازی فعالیتی دیگر چون درآمد ندارند، توان مالی برای انجام دادن کاری را ندارند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید:

الان شرایط وام‌داران را خیلی سخت کرده‌اند؛ وام را هم پولدارها می‌گیرند؛ چون آن‌ها شرایط گرفتن وام را مهیا می‌کنند. بنابراین، من همیشه در فقر زندگی خواهم کرد و حتی نمی‌توانم یک موتور یا ماشین بخرم که مسافرکشی بکنم.

سیاست‌های کلان دولت

یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش فعالیت‌های تولیدی کشاورزی و تغییر نظام اقتصادی و فعالیتی در منطقه مورد مطالعه سیاست‌های کلان دولتی در مقیاس ملی و منطقه‌ای است. در این راستا بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این سیاست‌ها تأکید و اثرهای آن را بر منطقه نامطلوب بیان کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم منطقه و مهم‌ترین عامل ایجاد اعتصابات و اغتشاش‌های سال‌های اخیر منطقه انتقال آب زاینده‌رود به استان یزد است. این انتقال در منطقه سبب کاهش منابع آبی و کاهش فعالیت کشاورزی شده است. کشاورزان منطقه در سال‌های اخیر به شیوه‌های مختلفی از جمله خرابی و شکستن لوله انتقال آب، اعتصاب، تظاهرات و بستن راه با تراکتور، رجوع به استان و شیوه‌های دیگر نحوه اعتراضات خود را بیان کرده‌اند. در کنار انتقال آب و دفاع از واگذاری حق آبه، از یک سو، اجازه کامل به بالادست و استان چهارمحال و بختیاری در استفاده بدون حد و مرز از آب رودخانه، از سوی دیگر، خشکی و کم‌آبی در منطقه تشدید شده است. در همین راستا، یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

یکی از دولت‌ها آب را به یزد برد؛ دولت دیگر اجازه برداشت بی حد به بالادست داد و اجازه ورود آب به استان را نداد. این تصمیم‌گیری‌ها باعث نابودی زاینده‌رود و باعث نابودی بخش جلگه و رودشت شده است.

از دیگر سیاست‌های کلان دولت تبدیل نواحی روستایی به شهر و ایجاد شهرک‌های صنعتی بوده که باعث کاهش و تغییر فعالیت‌های کشاورزی شده است. در سال اخیر با تبدیل یکی از روستاهای فعال به شهر و ارائه خدمات شهری به شهر مذکور بسیاری از زمین‌های کشاورزی پیرامون شهر تازه تأسیس تغییر کاربری داده و به تجاری و صنعتی تبدیل شده است. هم‌اکنون در حدود ۱۰ نهاد دولتی در زمین‌هایی واقع شده‌اند که تا چند سال قبل با کاربری کشاورزی بوده است. در کنار این امر اختصاص یک شهرک صنعتی به این شهر در منطقه دگرگونی ژرفی را در فعالیت‌های منطقه ایجاد کرده و سازمان فضایی را دچار تغییر نموده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص ایجاد شهرک صنعتی و ایجاد صنایع غیر مرتبط می‌گوید:

در اینجا شهرک صنعتی درست کرده‌اند، تن ماهی تولید می‌کنند، اینجا مگر دریا دارد؟! ماهی از جنوب باید بیاید اینجا، کنسرو شود برود تهران و اصفهان. نمی‌گوییم شهرک صنعتی بد است؛ کارخانه‌ای درست کنند شرکت‌هایی بیایند چیزهایی تولید کنند که مواد اولیه آن در همین منطقه باشد. این گونه اشتغال ایجاد می‌شود؛ اما ناهماهنگی زیاد است.

کاهش نیروی انسانی فعال در تولید

مقوله فوق بیانگر آن است که نیروهای انسانی فعال در بخش تولید نسبت به گذشته کاهش یافته است. این مقوله از آنچه مصاحبه‌شوندگان در خصوص بی‌کاری گسترده، کاهش تولیدات، کاهش تنوع تولید، حجم تولید، بی‌کاری زنان، و کاهش فعالیت صنایع دستی و ... بیان کرده‌اند به دست آمده است. در گذشته، در منطقه مورد مطالعه بی‌کاری بسیار کم بود؛ اما امروزه بی‌کاری به شکل گسترده در مناطق روستایی به چشم می‌خورد؛ حتی بی‌کاری سرپرستان خانوارها نیز با

کاهش و تعطیلی شغل کشاورزی به‌وفور دیده می‌شود. یکی از تولیدات گذشته روستاییان منطقه فرش دست‌باف بوده که امروزه با کاهش صادرات و توان خرید دیگر خریداری ندارد و این شغل و صنعت رو به نابودی رفته، زنان بسیاری بی‌کار شده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

قبلاً که فرش دست‌باف بازار داشت، زنان هم در تولید و درآمد نقش مهمی داشتند. الان دیگر کسی فرش ما را نمی‌خرد. دیگر تولید صنایع دستی نداریم.

اما مهم‌ترین کاهش نیروی انسانی در بخش کشاورزی و فعالیت‌های جانبی آن رخ داده است. در گذشته با توجه به تنوع تولیدات روستایی در منطقه حجم نیروی انسانی فعال بسیار گسترده بود. محصولاتی همچون چغندر، پنبه، و هندوانه محصولاتی بود که به نیروی انسانی زیادی جهت برداشت و تولید آن نیاز بود و حتی زنان و دختران و جوانان نیز در این امر به سرپرستان خانوارها و دیگر کشاورزان کمک می‌کردند؛ اما امروزه با کاهش منابع آب، دیگر این محصولات کشت نمی‌شود و فقط گندم و جو محصول روستاییان را تشکیل می‌دهد که این امر نیز نیروی انسانی کمی را به کار می‌گیرد و حجم بی‌کاری بالا رفته است. یکی دیگر از عواملی که باعث کاهش نیروی انسانی فعال در تولید شده است رواج مکانیزاسیون در روستاها بوده است. استفاده از تکنولوژی‌های مدرن باعث کاهش بخشی از نیروی فعال در تولید شده است. این مسئله در کنار کاهش تولید و کاهش تنوع در محصول، بی‌کاری گسترده‌ای را در بین جمعیت شاغل سبب شده است. در این خصوص مصاحبه‌شونده‌ای که از زمان‌های قدیم کشاورز بوده و هم‌اکنون نیز کشاورزی دارد اما فرزندانش بی‌کارند می‌گوید:

قدیم با گاو چاه آب می‌کشیدیم و به زمین می‌دادیم. ابزار کشاورزی گاو و خیش بود. با داس برداشت می‌کردم. الان همه چیز راحت شده؛ موتور پمپ آب می‌کشد، تراکتور شخم می‌زند، کمباین می‌چیند. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان راحتی کار و امکانات و تجهیزات فعلی را باعث کاهش نیروی فعال در بخش تولید می‌داند. او می‌گوید:

دیگر مثل قدیم انسان کار نمی‌کند. همه کارها را تراکتور و کمباین و دستگاه انجام می‌دهد. آبیاری هم که آسان شده؛ فقط باید جوب سیمانی دریچه را برداشت و گذاشت.

تضعیف ساختارهای بومی نظام بهره‌برداری از منابع آب

نظام بهره‌برداری از منابع آب در شهرستان اصفهان بر مبنای حق‌نسق استفاده از آب رودخانه زاینده‌رود از زمان‌های قدیم استوار بوده است. در گذشته‌های دور و سالیان پُرآبی مادی‌های اصفهان آب را بین روستاها تقسیم می‌کرد. میرآب نیز بر آب دو یا سه روستا نظارت می‌کرد و تقسیم‌بندی آب بر قواعد سنتی و یکسان حاکم بود؛ اما در طی سالیان اخیر ساختار بومی بهره‌برداری از آب به‌خصوص در زمان کم‌آبی و بی‌آبی مادی‌ها به هم خورده است و نزاع‌های روستایی برای دستیابی به آب شدت گرفته است. این مسئله در طی دو سال اخیر بیشتر شده است و در حال حاضر (۱۳۹۵) این موضوع به‌شدت از سوی روستاییان پیگیری می‌شود و درگیری‌هایی در روستاها با مقامات دولتی و با روستاهای بالادست به‌خصوص استان کهگیلویه و بویراحمد به‌صورت حرکات اعتراضی درگرفته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

تا حرکتی نکنیم کسی به داد ما نمی‌رسد، کسی صدای فریاد ما را نمی‌شنود. امسال اگر حق‌آبه ما را ندهند، می‌رویم تهران، در مجلس اعتراض می‌کنیم برای چه آب ما را به یزد داده‌اند؟ ... یکی دیگر از روستاییان با بیان اعتراضات سه سال گذشته می‌گوید:

امسال هم اگر آب به ما ندهند، همانند سه سال قبل، اعتراض می‌کنیم. لوله یزد را سوراخ می‌کنیم. بعد حتماً به ما آب می‌دهند. اما اگر بنشینیم، آن‌ها نیز کار خودشان را می‌کنند ...

مصاحبه‌شونده دیگر می‌گوید:

در گذشته حق‌آبه ما را براساس تقسیم شیخ‌بهای می‌دادند. الان دیگر آن تقسیم‌بندی را به فراموشی سپرده‌اند. حق‌آبه را نمی‌دهند.

ایشان با بیان شعری می‌گویند:

ز گه‌خونی تا سد کرده نگاهی	خدا رحمت کند شیخ بهایی
به هر روستا چنان تقسیم کرد او	تمام آب سد پیمانہ کرد او
که مانده خاطراتش بر همه جا	دریغا شیخ بهایی نیست بر جا

ایشان در ادامه برای حرکات اعتراضی مردم و گرفتن حق‌آبه خود می‌گویند: «آب حق ما روستاییان شرق اصفهان است. اما اعتراضات نیز باید در محیطی آرام صورت بگیرد.» و حرکات تخریبی را ناشایست می‌داند و می‌گوید:

تراکتورها سرخط می‌گذارید	چرا ای مردمان گم‌کرده راهید
که آبش بهر یزد آماده کردند	نمی‌دانی که سد را سوراخ کردند
کشاورزش هم آواره کردند	سراسر بخش را ویرانه کردند

البته، کشاورزان منطقه گرفتن حق‌آبه را حق مسلم خود می‌دانند. آن‌ها می‌گویند نظام بهره‌برداری از آب بایستی مطابق با سهم هر روستا از آب زاینده‌رود همانند گذشته باشد. آن‌ها حتی طرح‌های عمرانی و کانال‌کشی‌های سیمانی دولت را قابل توجیح نمی‌دانند و می‌گویند:

آن‌ها همان حق‌السهم ما را بدهند نیاز به هزینه‌کرد و کانال‌کشی نیست. طرح‌های عمرانی برای ساکت کردن ماست. مادی‌های فعلی روستا همه از بی‌آبی خشک شده‌اند و ساختارهای بهره‌برداری از آب بر هم خورده است.



شکل ۵. اعتراضات مردمی در احقاق حق‌آبه خود

تغییر در ساختار اشتغال به نفع بخش خدمات

تحولات به‌وقوع‌پیوسته در منطقه باعث کاهش شاغلان بخش کشاورزی به نفع بخش خدمات شده است. در گذشته، با وجود آب کافی، بیشتر مردم به کشاورزی مشغول بودند و با درآمد حاصل از کشاورزی و محصولات تولیدی خود نیاز به شغل‌های دیگر را در خود احساس نمی‌کردند؛ اما با کاهش کشاورزی، فعالیت‌های غیرضروری و شغل‌های دیگری در روستا شکل گرفته است. در گذشته هر روستا یک مغازه خواربارفروشی داشت. امروزه، در برخی روستاها تا ۱۰ مغازه نیز شکل گرفته است؛ مغازه‌داری، کامیون‌داری، کاسبی، راننده آژانس، کارمندی و ... شغل‌های تازه‌تأسیس در محیط‌های روستایی منطقه مورد مطالعه است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص اشتغال خود می‌گوید:

در قدیم همه کشاورز بودیم. اما الان وضعیت اقتصادی ما چنان شده است که هر شغلی در هر کجا به ما پیشنهاد شود راضی هستیم و می‌رویم آنجا کار کنیم؛ خدماتی، آبدارچی، راننده و ... هر چه باشد حاضریم قبول کنیم. دیگر آب نیست کشاورزی کنیم.

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان که در گذشته شغل محدود کشاورزی داشته و در حال حاضر مغازه خواربارفروشی ایجاد کرده است می‌گوید:

در حال حاضر به خاطر خشک‌سالی و کم‌آبی من مغازه‌داری می‌کنم. کاسبی شغل من و خیلی‌های دیگر شده است. خیلی‌ها در روستا و یا در شهر رفته‌اند مغازه زده‌اند، عکاسی باز کرده‌اند ...

با توجه به تحولات اقلیمی و اکولوژیک در منطقه، روستاییان شغل‌های خدماتی و کارمندی را بهترین گزینه اقتصادی و درآمدی خود می‌دانند. آن‌ها بیان می‌کنند که معلمان و تحصیل‌کردگان وضع زندگی‌شان خوب است. فقط کشاورزان هستند که درآمد ندارند. آن‌ها فرزندان خود را تشویق می‌کنند تا به تحصیل بپردازند و شغل کارمندی را برای خود انتخاب نمایند؛ چون شغل کارمندی هم بیمه دارد هم امنیت حقوقی. در مقابل، کشاورزی نه درآمد دارد، نه بیمه، و نه امنیت شغلی. یکی دیگر از وجوه افزایش فعالیت‌های خدماتی ایده‌های کارآفرینان روستایی است. کارآفرینان در روستاها از قشرهای تحصیل‌کرده و باسوادند که با شناسایی قابلیت‌ها در روستاها شغل‌هایی ایجاد کرده‌اند که از نوع اشتغال در بخش سوم اقتصادی و بخش خدماتی است؛ شغل‌هایی همچون بسته‌بندی، سبزی‌پاک‌کنی، خیارشورسازی، سبزی‌خردکنی، فیلم‌برداری از مجالس، قالی‌شویی، تعمیر لوازم خانگی، موبایل‌فروشی و ...

رشد مهاجرفرستی

در طی سه دهه اخیر، بالغ بر پنجاه روستای منطقه مورد مطالعه از سکنه خالی شده است. نرخ مهاجرفرستی در طی سال‌های خشک‌سالی رخ داده است. بی‌کاری در آن زمان افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر، جوانان روستا نیز تمایل بیشتری به تحصیلات عالی پیدا کرده‌اند و رشد قابل توجهی در تعداد دانشجویان و تحصیل‌کردگان روستاها مشاهده می‌شود. این گروه بعد از پایان دوره تحصیل تمایل به بازگشت به زادگاه و روستای خود ندارند و بسیاری از افراد تحصیل‌کرده از روستاها مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت برای پیدا کردن شغل و درآمد نیز یکی از دلایل عمده افزایش مهاجرت روستا-شهری در منطقه مورد مطالعه است. بررسی‌های میدانی و آماری بیانگر مهاجرت شدید جوانان و تحصیل‌کردگان روستایی است. مصاحبه‌شوندگان نیز در بسیاری موارد به مهاجرت اشاره کردند و در برخی موارد یک یا دو فرزند از یک خانواده مهاجرت نموده بودند. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق، که چهار فرزند او مهاجرت کرده بودند، بیان کرد:

من هشت فرزند دارم. در چند سال اخیر چهار فرزند من به اصفهان رفته و در آنجا خادم مسجد شده‌اند. اگر کار بود که نمی‌رفتند در مسجد کار کنند! ...

مشارکت‌کننده دیگر، که در گذشته دام‌دار بزرگی بوده و بعد از نابودی مراتع و کاهش فعالیت دام‌داری به علت نداشتن زمین کشاورزی فرزندان او مجبور به ترک روستا شده بودند، بیان می‌کند:

از پنج فرزند پسر من، فقط دو نفر از آن‌ها در اصفهان کار پیدا کرده‌اند و رفته‌اند. سه فرزند دیگر بی‌کارند. آن‌ها که رفتند دیگر به روستا برنمی‌گردند. ای کاش این سه نفر هم کار پیدا می‌کردند و می‌رفتند!

یکی دیگر از دلایل مهاجرت جوانان از روستا ادامه تحصیل به خصوص در مقاطع عالی و دانشگاهی بوده است. بسیاری از کشاورزان فرزندان خود را تشویق می‌کنند تا درس بخوانند و شغل کارمندی انتخاب کنند و از روستا به شهر بروند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره بیان می‌کند:

من حتی اگر بتوانم، از نان شب خود می‌زنم تا فرزندانم درس بخوانند. اگر آن‌ها درس بخوانند، می‌توانند شغلی در شهر پیدا کنند. در روستا که کار اداری و شغل نیست. در شهر هم به بی‌سواد کار نمی‌دهند. بچه‌های ما باید از روستا بروند تا مثل ما درمانده نباشند.

آن‌ها وابستگی شغل در شهرها را به سطح سواد و تحصیلات می‌دانند و حتی بیان می‌کنند که در خود منطقه و شهرک‌های صنعتی نیز به بی‌سوادان کار نمی‌دهند. یکی از روستاییان می‌گوید:

کار در شهرک‌های صنعتی هم سواد می‌خواهد؛ ما که سواد نداریم کار صنعتی بکنیم؛ هر که سواد دارد می‌تواند برود سر کار. او هم که می‌رود شهرک صنعتی سر کار، کم‌کم در کوهپایه ساکن می‌شود و از روستا می‌رود.

یکی از مسائل دیگری که مهاجرت را تشدید می‌کند عدم رونق صنایع در روستاها و عدم سرمایه‌گذاری‌های تولیدی چه از طرف دولت چه از طرف مهاجران است. مهاجرانی که از روستاها می‌روند دیگر حاضر به سرمایه‌گذاری در روستای خود نیستند و برگشت سرمایه به روستا انجام نمی‌شود. این مسئله باعث کاهش جاذبه‌های روستا، کاهش فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، و افزایش مهاجرت می‌شود؛ حتی پدران مهاجران نیز که در روستاها هستند سرمایه‌گذاری فرزندان خود در روستا را کاری عبث و بی‌فایده می‌دانند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند:

بچه‌هایی که از روستا رفته‌اند در روستاها سرمایه‌گذاری نمی‌کنند؛ برای چه این کار را بکنند؟ روستاها جاذبه ندارند، سود ندارند. آن‌ها هم که دیگر اینجا نیستند برای چه کسی سرمایه‌گذاری کنند؟ این منطقه در حال ویرانی است، سود ندارد ...

ضمن آنکه از دید روستاییان امکانات و خدمات ارائه‌شده یا طرح‌های عمرانی نیز نتوانسته از مهاجرت جلوگیری کند، آن‌ها تنها راه کاهش مهاجرت را توسعه اشتغال و کاهش بی‌کاری می‌دانند. در یکی از مصاحبه‌ها یکی از روستاییان بیان می‌کند:

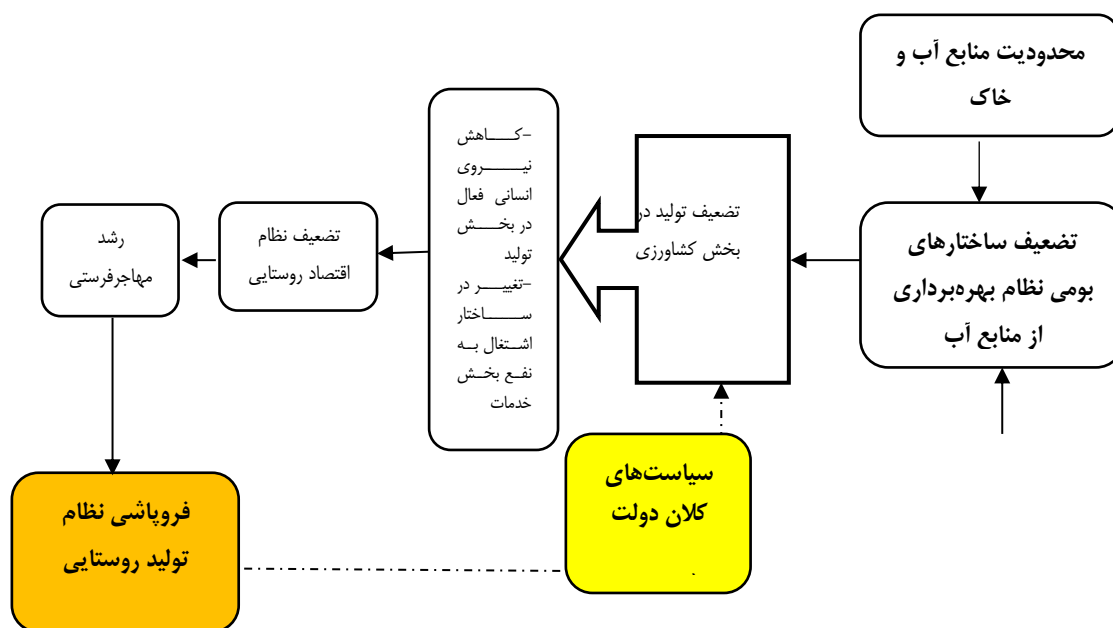
طرح هادی، جاده، تلفن و ... این‌ها که برای من غذا و درآمد نمی‌شود. فرزندان من با تلفن سیر نمی‌شوند. با طرح هادی من شاغل نمی‌شوم. اگر کار نباشد، ما مجبوریم برویم شهر.

با توجه به مقوله‌های عمده و توضیحات ارائه‌شده، مقوله هسته‌ای «فروپاشی نظام تولید روستایی»- مفهومی است که به‌درستی بیانگر تغییر و تحولات در بخش فعالیت و اشتغال منطقه مورد مطالعه است. این مقوله می‌تواند به سؤالات بیان‌شده در مبحث اقتصاد و تولید و اشتغال روستاییان منطقه پاسخی مناسب بدهد.

جدول ۲. مقوله‌های عمده و مقوله هسته‌ای فروپاشی نظام فعالیت

مقوله هسته‌ای	مقوله
فروپاشی نظام تولید روستایی	محدودیت منابع آب و خاک
	تضعیف نقش تولید کشاورزی
	تضعیف نظام اقتصاد روستایی
	کاهش نقش نیروی انسانی فعال در تولید
	تضعیف ساختارهای بومی نظام بهره‌برداری از منابع آب
	تغییر در ساختار اشتغال به نفع بخش خدمات
	رشد مهاجرفرستی
	سیاست‌های کلان دولت (مبنی بر انتقال آب و ایجاد نواحی صنعتی)

براساس مقوله هسته‌ای، مردم ساکن در دو بخش جلگه و بن‌رود پیامد تحولات به‌وجود آمده در فعالیت را به‌مثابه فروپاشی نظام تولید روستایی ارزیابی می‌کنند.



شکل ۶. مدل زمینه‌ای بیان تحولات در بخش فعالیت به‌منزله فروپاشی نظام تولید روستایی

بحث و نتیجه‌گیری (تحلیل تحول نظام فعالیت بر سازمان فضایی منطقه)

بررسی ساختار اقتصادی و فعالیت منطقه به‌صورت آماری بیانگر کاهش تعداد شاغلان بخش کشاورزی و افزایش شاغلان سایر بخش‌هاست. محاسبه تعداد شاغلان و تحلیل ضریب مکانی فعالیت بیانگر کاهش ضریب مکانی در یک دوره ده‌ساله است؛ به نحوی که ضریب پایه فعالیت در سال ۱۳۸۵ در بخش کشاورزی ۲,۷۲ درصد بوده که در سال ۱۳۹۲ به ۱,۹۷ درصد کاهش پیدا کرده و ضریب مکانی فعالیت در سایر بخش‌ها روند افزایشی داشته است. بخش صنعت از ۰,۸۲ درصد به ۱,۰۲ درصد افزایش پیدا کرده و بخش خدمات از ۰,۰۴ به ۰,۰۶ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

در بخش تولید محصولات کشاورزی و میزان زمین زیر کشت نیز همین روند مشاهده شد. بررسی وضعیت اراضی کشاورزی و زمین‌های قابل کشت و کشت‌شده در دو بخش، طی سال‌های مورد مطالعه بیانگر کاهش زمین‌های کشت‌شده است. این موضوع در بخش بن‌رود از مجموع ۲۵۰۰۰ هکتار زمین قابل کشت در سال ۱۳۷۵، ۱۹۰۰۰ هکتار کشت شده است که در سال ۱۳۹۲ این میزان به ۸۴۵۰ هکتار کاهش یافته است. و در بخش جلگه کل زمین‌های کشاورزی ۲۰۰۷۵ هکتار است که از این میزان زمین کشاورزی در سال ۱۳۷۵، ۱۵۵۰۰ هکتار آن به کشت اختصاص یافته بود و میزان زمین زیر کشت در طی سال‌های بعد کاهش قابل توجهی داشته است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به‌ترتیب ۳۹۰۰ و ۴۸۰۵ هکتار از زمین‌ها کشت‌شده و بیشتر زمین‌ها به‌صورت آیش رهاشده است.

در رابطه با کاهش فعالیت سنتی کشاورزی، عامل تحول‌ساز دیگر ورود سرمایه و شکل‌گیری مشاغل نوین و متنوع در منطقه بوده است. پرورش قارچ، تولید گلخانه‌ای، پرورش ماهی، و پرورش طیور در طی سال‌های اخیر به‌وفور رشد کرده است. در حال حاضر، در برخی روستاها تا ۲۵ سالن تولید گلخانه‌ای، ۲۰ حوضچه پرورش ماهی، و ۱۵ اتاق پرورش قارچ به‌وجود آمده است؛ به‌طوری‌که بعد از تجمعات و درگیری‌های سال ۱۳۹۰، سپاه پاسداران در قالب بسیج اقتصادی ۸ میلیارد تومان اعتبار برای گسترش مشاغل مرتبط با کشاورزی به منطقه اختصاص داده است. در حال حاضر، روستای فارفان با دارا بودن بیش از ۵۰ مورد سالن گلخانه و پرورش ماهی به‌عنوان روستای نمونه در اقتصاد مقاومتی معرفی شده است. این موضوع تحولات بسیاری را بر سازمان فضایی منطقه وارد کرده است. ایجاد تنوع مشاغل، افزایش

سرمایه‌گذاری، و گسترش ارتباطات به نحوی بوده است که به وابستگی منطقه به استان منجر شده و برای فروش محصولات، جریان‌های مختلفی اعم از جریان سرمایه و کالا در منطقه شکل گرفته است.

در بعد فعالیت تغییر در توازن اقتصاد روستایی از فعالیت‌های اولیه و متکی بر بهره‌برداری از محیط طبیعی همچون کشاورزی و دام‌داری به بخش‌های دوم و سوم حاصل تنوعی از فرایندهای به هم پیوسته اجتماعی-محیطی-اکولوژیک و اقتصادی است که در مقیاس‌های متفاوت عمل کرده است. برخی از عوامل محلی مانند افزایش تأسیسات زیربنایی همچون راه در نواحی روستایی و بهبود سطح آموزشی در جمعیت روستایی نیز در این زمینه مؤثر بوده است. در منطقه مورد مطالعه جانمایی سه شهرک صنعتی مطابق با تبیین‌های نوریس از تغییرات شهری-روستایی مبتنی بر فرضیه مکان محدود، هزینه تولید، بازساخت سرمایه و ترجیحات سکونتی بوده است. در این منطقه، معافیت‌های مالیاتی، اختصاص زمین مجانی، افزایش زیرساخت‌ها و ... همه موارد برای ترغیب صنایع بوده است؛ بر این اساس، صنایع مهمی در شهرک‌های صنعتی هرنند، ورزنه، و اژیه و حتی کوهپایه و بریسان در مرزهای این بخش برای استفاده از مزایا و کاهش هزینه‌ها از نواحی شهری در این منطقه شکل گرفته‌اند.

اشغال در بخش خدمات در نواحی روستایی به تدریج در طی قرن بیستم افزایش یافته و به منبع عمده اشتغال در نواحی روستایی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. این بخش شامل معلمان، رانندگان، کامیون‌دارها، کارکنان اداری و ... می‌شود که بزرگ‌ترین آن‌ها خرده‌فروشی است.

رشد اشتغال در بخش خدمات در ناحیه روستایی مورد مطالعه را می‌توان در سه بخش تقسیم کرد:

بخش خدمات عمومی، همانند آموزش و معلمان، خانه‌های بهداشت و بهورز و ماما و سایر خدمات همچون شرکت‌های تعاونی، مخابرات، بسیج و سپاه.

رشد مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی در جامعه روستایی که موجب گسترش خدمات بخش‌های خرده‌فروشی و مغازه‌داری مانند نواحی شهری در نقاط روستایی شد. درحقیقت، شهرهای کوچک و مراکز دهستان به شدت به عنوان هدف بازارهای جدید گسترش خرده‌فروشی قرار گرفت. شهر اژیه، روستای امامزاده، و ... دارای انواعی از مغازه‌های لوکس تا سنتی شده است.

گسترش ارتباطات و افزایش تعاملات فضایی باعث رشد اشتغال در بخش‌های خدماتی همچون تعمیرگاه استراحتگاه بین‌راهی، و چای‌خانه شد و جاذبه‌های گردشگری و خدمات فراغتی ایجاد شده در اطراف شهر ورزنه بسیار شایان توجه است.

تغییر تقسیم کار فضایی، از جمله کاهش فعالیت‌های سنتی و پایه، همچون کشاورزی، دام‌داری، و صنایع دستی و افزایش فرصت‌های جدید شغلی در بخش خدمات در روستا-شهرها و شهرهای کوچک میانی، به صورت‌های گوناگون تأثیر بر الگوهای مهاجرت بین نواحی شهری و روستایی داشته است. در این میان، تمایلات اجتماعی از جمله افزایش مالکیت وسایط نقلیه شخصی، پیشرفت‌های فنی، تسهیل ارتباطات، تحصیلات عالی، و امید به زندگی بین گروه‌های مختلف سنی و طبقات اجتماعی ساختار جمعیت‌شناختی جمعیت روستایی را نیز دگرگون کرده است. جمعیت روستاهای مذکور در حال حاضر سالخورده‌تر می‌شوند؛ زیرا افراد جوان نواحی روستایی را به قصد آموزش و اشتغال ترک کرده‌اند. مهاجرت جوانان از نواحی روستایی هم حاصل انتخاب هم حاصل شرایط است. از نظر بسیاری از جوانانی که در روستاها بزرگ شده‌اند، شهرها فرصت‌هایی دارند که در نواحی روستایی وجود ندارد. تصمیمات مهاجرتی جوانان متأثر از معدودی فرصت‌های شغلی (کاهش اشتغال بخش کشاورزی) است. در برخی موارد، در روستاها، گسترش سطح تحصیلات و آموزش عالی باعث شده است تا عده زیادی از جوانان روستایی بعد از اتمام دوران دانشگاه، به علت کمبود مشاغل متناسب

با تحویلات خود در نواحی روستایی، توانایی بازگشت مجدد به روستاها را نداشته باشند. دو روند کلیدی در گذر ساختار اقتصادی منطقه و فعالیت‌های رایج آن دیده می‌شود:

۱. اقتصاد روستایی حال حاضر منطقه نسبت به گذشته - که متکی بر یک فعالیت بود - متحول‌تر شده است و مشاغل تضمینی کمی وجود دارد. قبلاً شغل ثابت کشاورزی برای همه خانوارها فراهم بود؛ اما امروز برای دسترسی به فرصت‌های شغلی با دستمزد بهتر اغلب نیاز به ترک نواحی روستایی است؛

۲. اقتصاد روستایی منطقه در حال حاضر نسبت به گذشته بیشتر به نواحی خارج از روستا وابسته شده است. فعالیت‌های سنتی و محدود گذشته روستاها با فروش یکنواخت (واسطه‌گری) به شهرها انجام می‌شد؛ اما امروزه سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی وابستگی اقتصاد را به سرمایه‌گذاری بیرونی (پرورش ماهی، قارچ، و بلدرچین) به علت فقدان سرمایه محلی بسیار زیاد کرده است. بنابراین، تصمیم‌گیری اقتصادی در دست عوامل خارجی و بیرونی متمرکز شده است و بدین ترتیب قدرت کنترل یک روستا بر آینده اقتصادی خود ضعیف شده است.

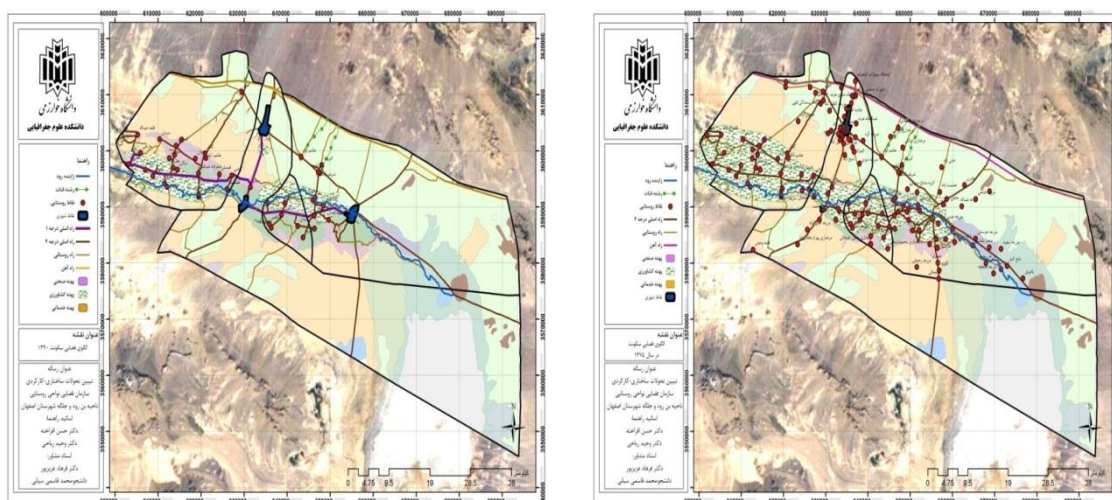
درک و تفسیر اقتصاد روستایی با گذشته تفاوت آشکاری یافته است. نواحی روستایی منطقه در گذشته فضای تولیدی بود؛ آن هم تولید کشاورزی و دامی. اما اکنون فضای مصرف نیز شناخته می‌شود. مصرف کالاهای شهری در نواحی روستایی از طریق استفاده از مارک‌های تجاری، برندها، غذاهای لوکس و ... از طریق تلویزیون به روستاها اشاعه پیدا کرده است.

بنابراین، ساختار فعالیت اقتصادی پایه منطقه در اثر عواملی همانند محدودیت منابع آب و خاک، تضعیف نقش تولید کشاورزی، تضعیف نظام اقتصاد روستایی، کاهش نقش نیروی انسانی فعال در تولید، تضعیف ساختارهای بومی نظام بهره‌برداری از منابع آب، تغییر در ساختار اشتغال به نفع بخش خدمات و رشد مهاجرپرستی به فروپاشی نظام تولید و فعالیت منجر شده است. تضعیف سه ساختار نقش تولید کشاورزی، نظام اقتصاد روستایی، نظام بهره‌برداری از منابع آب و تغییر ساختار اشتغال در این بخش در اثر سیاست‌های کلان دولتی به وقوع پیوسته است. در دهه اخیر، انتقال آب زاینده‌رود به شهر یزد و انحلال تقسیم‌بندی سنتی آب (تقسیم شیخ بهایی) و تقسیم جدید آب بر مبنای ساعت و میزان زمین در کانال‌کشی سیمانی، ضمن آنکه باعث بروز اختلاف‌هایی در بین سکونتگاه‌ها با یکدیگر شده است و اعتصابات و اعتراضات شدیدی را به دنبال داشته است، نظام بهره‌برداری و نظام فعالیت و تولید منطقه را با چالش مواجه کرده و ساختار تولید بر مبنای آب و خاک را از بین برده و در حال جای‌گزینی فعالیت خدماتی بر مبنای تجارت و صنعت در شهرک‌های صنعتی است. این نوع سیاست‌گذاری با توجه به ناسازگاری با محیط طبیعی - اکولوژیک نتوانسته کارایی لازم را نشان دهد و به نوعی به ساختاری دوگانه در منطقه انجامیده است.

این مسئله بر روی ساختار فضایی فعالیت منطقه در یک نظام فضایی تأثیر گذاشته است؛ به طوری که ساختار فعالیت در گذشته منطقه به صورت مکان‌های روستایی مجزا با حداقل ارتباط به صورت مکمل و هم‌پیوند در راستای تولید کشاورزی و دامی در یک جریان مداوم تولید، فروش، و چرخه درآمدی به صورت پویا و منظم انتظام یافته بود (نقشه ۱). در حال حاضر، این ساختار دچار عدم تعادل و دارای نقاط کانونی بزرگ و قطبی شده است (نقشه ۲) و بسیاری از نقاط دیگر کارکرد خود را از دست داده‌اند. این کانون‌ها به صورت انگلی روز به روز با جذب سرمایه و جمعیت جاذب اعتبارات شده و خود را به عنوان مراکز و شهرها طرح کرده و رشد خود را تشدید کرده‌اند. این رشد در گره‌گاه‌ها باعث نابودی و تخلیه نقاط سکونت - که در گذشته تولیدی بوده‌اند - شده است.

بنابراین، ساختار فعالیت در گذشته الگویی منظم و شبکه‌ای را در سازمان فضایی منطقه ایجاد کرده بود که در حال حاضر در اثر تحولات یادشده به خصوص بعد از کاهش منابع طبیعی به فروپاشی نظام فعالیت انجامیده است و با

جای‌گزینی غیرکارشناسی در سیاست‌گذاری عمرانی و ملی مبتنی بر فعالیت‌های صنعتی و خدماتی در منطقه و عدم همخوانی فعالیت‌های آن با فعالیت روستایی و دارابودن ماهیت شهری در جذب و تخصص نیروی شاغل و تولید محصول تأثیر مثبتی بر روستاها نداشته است و نتوانسته جاذب جمعیت یا نگاه‌داشت آن شود. از سوی دیگر، نظام فعالیت حال حاضر منطقه، وابستگی شدید به خارج از روستاهای منطقه پیدا کرده است. فعالیت‌های سنتی و کشاورزی از قبل در یک چرخه تولیدی به صورت مستمر و یکنواخت جریان داشت؛ اما در حال حاضر این موضوع باعث شده که نظام فعالیت به سرمایه‌های خارجی یا تصمیمات ملی و منطقه‌ای وابستگی پیدا کند که این امر به نوعی بی‌ثباتی را در سازمان فضایی منطقه پدیدار کرده است.



نقشه ۲. سازمان فضایی منطقه در سال ۱۳۹۵

نقشه ۱. سازمان فضایی منطقه در سال ۱۳۷۵

مأخذ: داده‌های میدانی، نویسندگان، ۱۳۹۶

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین، ۱۳۹۰، *روش‌های کاربردی تحقیق* (جلد دوم، کاربرد نظریه بنیانی)، انتشارات کیهان.
۲. افراخته، حسن، ۱۳۹۱، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی* (مطالعه موردی: ناحیه شفت)، فصل‌نامه *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، س ۱، ش ۱.
۳. استراس، آنسلم، جولیت کوربین، ۱۳۸۵، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۴. امین‌مقدم، محبوبه، ۱۳۹۰، روند تبدیل روستاها به شهر با تأکید بر تحول کالبدی- فضایی؛ نمونه روستا شهر دابودشت شهرستان آمل، مجموعه مقالات *اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی، مسکن و بافت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*.
۵. سعیدی، عباس، ۱۳۹۰، *پوشش ساختاری- کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی- فضایی*، فصل‌نامه علمی- پژوهشی *انجمن جغرافیای ایران*، دوره جدید، س ۹، ش ۲۹.
۶. سعیدی، عباس، ۱۳۹۱، *پوشش ساختاری- کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی*، فصل‌نامه *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، س ۱، ش ۱.
۷. سعیدی، عباس و حسینی حاصل، صدیقه، ۱۳۸۸، *نظم‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی در روند تحولات اجتماعی- اقتصادی- کالبدی؛ مورد: شهرستان کهگیلویه، مجموعه مقالات سمینار سامان‌دهی روستاهای پراکنده، همدان*.
۸. صرافی، مظفر، ۱۳۹۳، *رویکرد نومنته‌گرایی در راستای ارتقای نظام مدیریت توسعه فضایی پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ص ۸۵۷-۸۷۴.
۹. شمس‌الدینی، علی، علی شکور، محمدرضا رضایی و لیلا پناهی، ۱۳۹۰، تحلیل جغرافیایی بر جریان‌های متقابل شهری- روستایی، مطالعه موردی: مرودشت و روستاهای پیرامون، *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، ش ۱۱۲، ص ۷۹-۹۹.
۱۰. قاسمی سیانی، محمد، ۱۳۹۶، *تبیین تحولات ساختاری- کارکردی سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی*، مطالعه موردی: بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، به راهنمایی دکتر حسن افراخته.
۱۱. عزیزپور، فرهاد و شمسی، رقیه، ۱۳۹۱، نقش عوامل محیطی در سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه موردی: دهستان لواسان کوچک، نشریه سپهر، دوره ۲۳، ش ۸۹.
۱۲. محمدی، محمد و همکاران، ۱۳۹۱، نیروهای انسانی مؤثر بر تغییرات کاربری اراضی در حاشیه مناطق روستایی (نمونه موردی: روستاهای الکل و سی بن شهرستان تنکابن)، فصل‌نامه *جغرافیا*، دوره جدید، س ۱۰، ش ۳۵، ص ۱۷۹-۱۹۸.
13. Afrakhteh, Hasan, 2012, Space Economics and Rural Development. Case study: SHEFT Area. *Journal space economic and rural development*. Year 1. No. 1. (In Persian)
14. Aminmoghadam, Mahboobeh, 2011, The process of transformation of villages into the city emphasizing the physical-spatial transformation. Case Study: Dabodasht. Amol. Bonyad Maskan Iran. (In Persian)
15. Azizipour, Farhad anf Shamsi, Roghayeh, 2012, Role of environmental factors in the spatial organization of rural settlements. Case Study: Lavasane. *Journals Sepehr*. No. 89 (In Persian)
16. Azkia, Mostafa and Imani Jajarmi, Hossein, 2011, *Applied Research Methodologies* (2) (Applied Grounded Theory Approach. Keyhan. (In Persian)
17. Cresweell, J. W. and Miller, D. L., 2000, Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into practice*, Vol. 39, PP. 124-130.
18. Cresweell. J.w. and Brown, M. L., 1992, How chairpersons enhance Faculty research. A grounded theory study. *Review of Higher Education*, Vol. 16, PP. 41-62.

19. Douglass, Mike, 1999, Rural- Urban Integration and Regional Economic Resilience: *Strategies for the Rural- Urban Transition in Northeast Thailand*, Department of Urban and Regional Planning-University of Hawaii
20. Mohamadi, Mohamad et al., 2012, Human forces affecting land use change in rural areas. Case Study: Alkale and Sibon. Tonekabon. *Journals geography*. Year 10, No. 35, PP. 179-198. (In Persian)
21. Saeidi, Abas and Hoseine Hasel, Sediqe, 2009, Controllability rural settlements in the process of socio-economic-physical changes, Case study: kohkoloyeh county. *HAMEDAN Conference* (In Persian)
22. Saeidi, Abas, 2011, Structural-Functional Dynamism A systematic approach to place and spatial studies. *Research Anjoman geography IRAN*. Year 9, No. 29. (In Persian)
23. Saeidi, Abas, 2012, Structural-Functional Dynamism: An Alternative Approach to Spatial, *Journal space economic and rural development*, Year 1. No. 1. (In Persian)
24. White, G., 1973, *Natural Hazards Research*. Directions in Geography. R. J. Chorley. wiejskich w Polsce, *Studia Obszarów Wiejskich* tom 3.
25. Yang, Mayfair Mei-hui, 2004, Goddess across the Taiwan Strait: Matrifocal Ritual Space, Nation-State, and Satellite Television Footprints, *Public Culture*, Vol. 16, No. 2, Spring 2004: 209-238. Copyright 2004 by Duke University Press.